



The Capacity of the United Nations Nuclear Disarmament and Arms Control System Against Terrorist Crimes

Peyman Namamian

Associate Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty of Administrative Sciences and Economics, Arak University, Arak, Iran.

Email: p_namamian1512@yahoo.com 0000-0001-7681-7293

Abstract

Nuclear disarmament is considered a fundamental priority and objective for the international community, pursued within the broader framework of "international peace and security" since the organization's inception. The approaches adopted in this regard have evolved in accordance with international developments and political realities. According to the United Nations' nuclear disarmament capacities, the obligations stipulated in Article VI of the Treaty on the Non-Proliferation of Nuclear Weapons are regarded as a significant objective within the global community. However, with regard to the issue of terrorist crimes, the United Nations has not exhibited a marked superiority in terms of effectiveness when compared to other actors, as evidenced by the numerous resolutions and declarations on this matter that have been in existence for several decades. In essence, the realization and implementation of these arrangements is contingent upon the political determination of the involved states. The UN's response in this domain has been relatively prompt and has continued through several key mechanisms. Consequently, it is imperative for the international community, under the leadership of the United Nations, to strengthen nuclear disarmament and arms control mechanisms to formulate an effective response to terrorist crimes. This objective can be realized through the establishment of a global consensus.

Keywords: Nuclear Disarmament, Arms Control, United Nations, Terrorist Crimes, International Peace and Security.

ظرفیت نظام خلع سلاح هسته‌ای و کنترل تسلیحات سازمان ملل متحد در قبال جرائم تروریستی

پیمان نامیان

دانشیار حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشکده علوم اداری و اقتصاد، دانشگاه اراک، اراک، ایران.

Email: p_namamian1512@yahoo.com

چکیده

خلع سلاح هسته‌ای، یک اولویت و هدف اساسی متحد است که از زمان پیدایش آن تاکنون در چهارچوب هدف عام‌تر «صلح و امنیت بین‌المللی» دنبال شده است، رهیافت‌های اتخاذ شده در این خصوص، به تناسب تحولات بین‌المللی و واقعیت‌های سیاسی، تحول یافته است. براساس ظرفیت خلع سلاح هسته‌ای در سازمان ملل متحد، تعهدات مندرج در ماده ششم معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به‌وضوح یک هدف قابل‌ملاحظه در قلمرو جامعه جهانی است. البته سازمان ملل متحد درخصوص مسئله جرائم تروریستی، قوی‌تر از دیگران نیست و قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های متعدد آن به چند دهه پیش باز می‌گردند؛ به عبارتی تحقق و به سرمنزل مقصود رساندن این ترتیبات به خواست و اراده سیاسی دولت‌ها بستگی تام دارد. پاسخ ملل متحد در این زمینه نسبتاً سریع بوده و به چند طریق مهم استمرار یافته است. بنابراین، ضرورت دارد تا جامعه جهانی با پیشگامی سازمان ملل متحد به‌واسطه تقویت رژیم‌های خلع سلاح هسته‌ای و کنترل تسلیحاتی، درصدد واکنشی مؤثر در قبال جرائم تروریستی برآید که این امر با اجماع جامعه جهانی میسر خواهد بود.

کلیدواژه‌ها: خلع سلاح هسته‌ای، کنترل تسلیحات، سازمان ملل متحد، جرائم تروریستی، صلح و امنیت بین‌المللی.

مقدمه

در طول یک‌صد و سی سال گذشته، برجسته‌ترین دلیلی که برای حقوق خلع سلاح مطرح شده این بود که این حقوق به‌مثابه راهی برای تقویت صلح و امنیت بین‌المللی است و رهبران و دیپلمات‌های برجسته اعلام کرده‌اند که تلاش‌ها برای کاهش تعداد سلاح‌ها در جهان است؛ همچنین غیرقانونی اعلام کردن انواع خاصی از تسلیحات و امحای تسلیحات برخی از کشورها به صلح و امنیت بین‌المللی کمک کرده است. تسلط این روایت امیدوارکننده و موقتی، تا حد قابل توجهی، دیگر دستور کارها در حوزه حقوق خلع سلاح را پنهان کرده است.^۱ از زمان توسعه تسلیحات هسته‌ای، کشورهای مختلف دارای سلاح هسته‌ای اعلامیه‌های شفاهی و کتبی مبنی بر عدم استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای علیه کشورهای غیرهسته‌ای در شرایط خاص داده‌اند. لازم به ذکر است از دهه ۱۹۶۰ تلاش‌های متعددی برای متعهد ساختن کشورهای مجهز به سلاح هسته‌ای به یک معاهده جامع در مورد تضمین‌های امنیتی منفی صورت گرفته است، اما تا به امروز این تلاش‌ها شکست خورده است. با توجه به این‌که تضمین‌های امنیتی منفی می‌تواند شامل تعهد به عدم استفاده از سلاح‌های هسته‌ای و یا در جایگزینی، تعهد به عدم تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای باشد (Hood & Cormier, 2024: 162-163).^۲

سازمان ملل متحد در راستای تحقق این هدف ابتدا رویکردی عام را مدنظر دارد. در طول سال‌های دهه ۱۹۵۰، هدف از فرایند تنظیم، تحدید و کاهش متعادل کلیه نیروهای مسلح از رهگذر برنامه‌ای هماهنگ و فراگیر بود. در سال ۱۹۹۵، برای نخستین بار مفهوم خلع سلاح عمومی در دستور کار مجمع عمومی قرار گرفت.^۳ خلع سلاح

۱. با اتمام جنگ سرد و نظام دوقطبی روابط بین‌الملل، صلح بین‌المللی نیز دستخوش تحولات ژرفی شده و ماهیت و متغیرهای جدید و نوینی را تجربه کرده است. سازمان ملل متحد در دوران پس از جنگ سرد به دلیل ضعف و ناکارآمدی در حل‌وفصل مخاصمات مسلحانه، در راستای تحقق صلح بین‌الملل موفق نبوده است (میرکوش و رضایی، ۱۴۰۱: ۱۳۳).

۲. جدیدترین معاهده برای منع تهدید سلاح‌های هسته‌ای و با هدف امحای کامل آن‌ها، معاهده منع سلاح‌های هسته‌ای است که در ۲۲ ژانویه ۲۰۲۱ لازم‌الاجرا شد. این معاهده مقرر می‌دارد «هر کشور عضو متعهد می‌شود هرگز و تحت هیچ شرایطی نباید از سلاح‌های هسته‌ای یا سایر وسایل انفجاری هسته‌ای استفاده یا تهدید به استفاده از آن کند». در ضمن، معاهده منع تسلیحات هسته‌ای شامل مجموعه‌ای جامع از ممنوعیت‌های مشارکت در هرگونه فعالیت تسلیحات هسته‌ای است. این موارد شامل تعهدات عدم توسعه، آزمایش، تولید، به دست آوردن، در اختیار داشتن، ذخیره، استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای است. این معاهده همچنین استقرار سلاح‌های هسته‌ای در قلمرو ملی و ارائه کمک به هر کشوری در انجام فعالیت‌های ممنوعه را ممنوع می‌کند. کشورهای عضو موظف خواهند بود از هرگونه فعالیتی که به موجب معاهده منع تسلیحات هسته‌ای توسط افراد یا در قلمرو تحت صلاحیت یا کنترل آن انجام می‌شود، پیشگیری و سرکوب کنند (Burr, W., and J. Kimball, 2022: 89-92).

۳. A/RES/49/75, UN. General Assembly (49th sess: 1994-1995)

عمومی انعکاس جهان‌شمولی عرصه این فرایند در جریان ایجاد، اجرا و خلع سلاح عمومی کامل نیز نمودار شمول آن نسبت به تمامی تسلیحات بود (Spagnolo, 2022: 426). سازمان ملل متحد جلسات متعددی را با هدف رسیدگی به موضوعات خلع سلاح چندجانبه ترتیب داده است. مهم‌ترین آن‌ها شامل کمیته اول مجمع عمومی و کمیسیون خلع سلاح است. مسائل مورد نظر در این کمیسیون‌ها بررسی معاهده منع آزمایش سلاح‌های کشتار جمعی، معاهده فضای بیرونی زمین، معاهده منع تولید سلاح‌های شیمیایی، خلع سلاح هسته‌ای و سلاح‌های متعارف، ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای، کاهش بودجه نظامی کشورها و تقویت امنیت بین‌الملل بودند. سازمان ملل متحد به‌مثابه مرکز سازمان‌یافته اجرای حقوق بین‌الملل منشور، از زمان تأسیس تاکنون خلع سلاح و کنترل تسلیحات را در مرکز و هسته مسائل مربوط به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی قرار داده است. سازوکار ملل متحد برای پی‌گیری خلع سلاح، نشئت گرفته از خود منشور و تصمیمات مجمع عمومی و شورای امنیت است (سرتیپی و حجت‌خواه، ۱۳۹۲: ۲۶۵).

از اول تا پنجم اکتبر ۲۰۰۱، مجمع عمومی با تشکیل نشست ویژه تلاش کرد تا تدابیر امحای جرائم تروریستی را بررسی نماید. کوفی عنان در افتتاحیه این نشست در اول اکتبر، خواستار تدوین یک راهبرد گسترده، جامع و پایدار درخصوص مبارزه با جرائم تروریستی شد. وی به‌ویژه بر ضرورت تقویت هنجارهای جهانی علیه کاربرد یا توسعه سلاح‌های کشتار جمعی تأکید کرد و لزوم انجام تلاش‌های بین‌المللی مضاعف برای تضمین «جهان‌شمولی، بازرسی و تأیید و اجرای کامل معاهدات کلیدی خلع سلاح»، «بهبود همکاری میان سازمان‌های بین‌المللی درگیر با این سلاح‌ها» و «تشدید و سخت‌گیری مقررات ملی درخصوص صادرات فناوری‌های مورد نیاز برای تولید سلاح‌های کشتار جمعی و وسایل پرتاب آن‌ها» را درخواست نمود.

از ۱۵ تا ۲۶ اکتبر سال ۲۰۰۱، گروه کاری ملل متحد درخصوص تدابیر امحای جرائم تروریستی تشکیل شد تا تدوین پیش‌نویس جامع کنوانسیون پیرامون تروریسم بین‌المللی را پیگیری نماید. تلاش‌ها برای حصول توافق عام در مورد این کنوانسیون و همچنین درخصوص کنوانسیون مستقل در مورد جرائم تروریستی هسته‌ای ادامه دارد. در ماه اکتبر، دبیر کل «گروه کاری راهبردی درخصوص ملل متحد و تروریسم» را برای احراز و تشخیص پیامدهای بلندمدت و اقدامات راهبردهای گسترده‌ای که ملل متحد می‌تواند در تلاش بین‌المللی جمعی علیه جرائم تروریستی به عمل آورد، ایجاد کرد (Black-Branch & Fleck, 2021: 39-42).

در مقاله حاضر برای گردآوری داده‌ها و مسائل پیش رو، از روش فیش‌برداری اسنادی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی استفاده شده است و از همین رو، روش مطالعه و پژوهش در این مقاله، توصیفی و کتابخانه‌ای است.

۱. ارکان اصلی پژوهش

۱-۱. مجمع عمومی

در طول سال‌های دهه ۱۹۵۰ هدف این فرایند تنظیم، تحدید و کاهش متعادل کلیه نیروهای مسلح از رهگذر برنامه‌ای هماهنگ و فراگیر بود. در سال ۱۹۵۹، برای نخستین بار مفهوم خلع سلاح عمومی و کامل در دستور کار مجمع عمومی قرار گرفت. مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اوایل سال ۱۹۴۶ قطعنامه‌ای را تصویب کرد که بر حذف بمب‌های اتمی تمرکز داشت. متعاقباً قطعنامه‌های بسیار بیشتری توسط مجمع عمومی و شورای امنیت به تصویب رسید. اولین سند الزام‌آور برای ممنوعیت آزمایش تسلیحات هسته‌ای، یعنی معاهده منع آزمایش جزئی در سال ۱۹۶۳ به تصویب رسید. این معاهده ممنوعیتی جامع برای آزمایش سلاح‌های هسته‌ای نداشت. در سال ۱۹۶۸، معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای به تصویب رسید تا افزایش سریع تعداد سلاح‌های هسته‌ای را ممنوع کند. در سال ۱۹۹۶، معاهده منع جامع آزمایش برای ممنوعیت همه‌جانبه آزمایش‌های هسته‌ای به تصویب رسید (Ahuja, 2021: 27).

مجمع عمومی در عرصه خلع سلاح اقدامات فراوانی را به عمل آورده است. در سال ۱۹۵۹ مجمع مفهوم خلع سلاح عمومی و کامل را مورد پذیرش قرار داد و در سال ۱۹۷۸، به ابتکار جنیش عدم تعهد راهبرد جدیدی را برای خلع سلاح تدوین کرد و نخستین اجلاس ویژه خلع سلاح ملل متحد را برگزار نمود و در سال‌های ۱۹۸۲ و ۱۹۸۸ با برگزاری دومین و سومین نشست ویژه خلع سلاح ملل متحد، این مفهوم را دنبال نمود. ایجاد دفتر ثبت سلاح‌های متعارف در سال ۱۹۹۲، تصویب برنامه شفافیت هزینه‌های نظامی و نقل‌وانتقال سلاح و ... از دیگر اقدامات مجمع عمومی در این زمینه بوده است. مجمع در راستای مسئولیت فوق و این‌که براساس ماده ۷ می‌تواند برای انجام وظایف خود به تأسیس ارکان فرعی مبادرت ورزد، دو رکن فرعی را برای پیگیری و یا ارائه رهنمودهای مشورتی تخصصی ایجاد کرده است. علاوه بر این مجمع تاکنون نشست ویژه در سال‌های ۱۹۷۸، ۱۹۸۲ و ۱۹۸۸ به خلع سلاح اختصاص داده است (ساعد، ۱۳۸۳: ۷۶).

یکی از مهم‌ترین قطعنامه‌هایی که صراحتاً استفاده از سلاح هسته‌ای را ممنوع و معایر حقوق بین‌الملل دانسته است، قطعنامه ۱۶۵۳ تاریخ ۲۴ نوامبر ۱۹۶۱ راجع به اعلامیه منع استفاده از سلاح‌های هسته‌ای است. در این قطعنامه با اشاره به مسئولیت مجمع عمومی در ارتباط با حفظ صلح و امنیت بین‌المللی و خلع سلاح و با تکیه بر قواعد عام راجع به ممنوعیت به‌کارگیری سلاح‌های کشتار جمعی و ضرورت رعایت اصل تمایز بین نظامیان و غیرنظامیان به هنگام مخاصمات مسلحانه و نیز با استناد به اصول مقرر در اعلامیه ۱۸۶۸ سن‌پترزبورگ و اعلامیه ۱۸۷۴ کنفرانس بروکسل و مقررات کنوانسیون‌های کنفرانس صلح ۱۸۹۹ و ۱۹۰۷ لاهه و پروتکل ۱۹۲۵ ژنو و استفاده از سلاح هسته‌ای برخلاف روح و متن و اهداف ملل متحد و ناقض منشور شناخته شده است. در بندهای (ب) و (ج) و (د) این قطعنامه صراحتاً آمده است که استفاده از سلاح هسته‌ای برخلاف حقوق بین‌الملل بشردوستانه بوده و به‌کارگیری این سلاح نه‌فقط جنگ علیه دشمن، بلکه جنگ علیه بشریت است.^۱

قطعنامه‌های بسیاری نیز بدون اشاره صریح به ممنوعیت کاربرد این سلاح، در مورد خلع سلاح با عاری شدن برخی مناطق از سلاح هسته‌ای و منع آزمایش‌های سلاح هسته‌ای با توقف این‌گونه فعالیت‌ها صادر شده است. جدیدترین قطعنامه که صراحتاً در آن به ممنوعیت استفاده از سلاح هسته‌ای اشاره شده است، قطعنامه شماره ۶۰/۸۸ تاریخ ۸ دسامبر ۲۰۰۵ است. قطعنامه ۶۰/۷۰ همان تاریخ نیز در مورد خلع سلاح هسته‌ای صادر شده است. در این قطعنامه‌ها با اشاره به نظر مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری و ضمن تأکید بر مفاد قطعنامه‌های قبلی از کنفرانس خلع سلاح و کشورهای دارای سلاح هسته‌ای خواسته شده است برای دستیابی به توافقی بین‌المللی مبنی بر منع استفاده و انهدام سلاح‌های هسته‌ای در هر شرایطی، تلاش نماید. صدور قطعنامه ۶۰/۴۶ در مورد منع تولید نسل جدید سلاح هسته‌ای و قطعنامه ۶۰/۹۵ در مورد معاهده منع آزمایش هسته‌ای، قطعنامه‌های ۶۰/۴۸ و ۶۰/۴۹ و ۶۰/۵۰ و ۶۰/۵۲ در مورد ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای همچون اقیانوس هند، آفریقا، آمریکای لاتین، جزایر کارائیب و خاورمیانه و چندین قطعنامه دیگر در موضوعات مختلف هسته‌ای از جمله تازه‌ترین تلاش‌های بین‌المللی برای ممنوع کردن تهدید با استفاده از

۱. در قطعنامه‌های ۷۱/۳۳ تاریخ ۱۴ دسامبر ۱۹۷۸ و ۸۳/۳۴ تاریخ ۱۱ دسامبر ۱۹۷۹ و ۵۲/۲۵ تاریخ ۱۲ دسامبر ۱۹۸۰ و ۹۲/۳۶ تاریخ ۹ دسامبر ۱۹۸۱، مجمع عمومی ملل متحد ضمن یادآوری قطعنامه شماره ۱۶۵۳، مجدداً تأکید می‌کند که استفاده از سلاح‌های هسته‌ای نه تنها ناقض منشور ملل متحد و موجب ارتکاب جرم علیه بشریت است، بلکه تا زمان خلع سلاح هسته‌ای، هر گونه تهدید به استفاده از آن نیز ممنوع است.

سلاح هسته‌ای و منع تولید و تکثیر آن و حذف این سلاح‌های از زرادخانه‌های کشورهای هسته‌ای است.

۲-۱. شورای امنیت

در دهه ۱۹۹۰ تشکیل کمیسیون ویژه بازرسی خلع سلاح عراق توسط شورای امنیت، به این سازوکارها رونقی تازه بخشیده است. از همین رو، خلع سلاح نه تنها در قالب تعهدات عادی حقوق بین‌الملل عمومی، بلکه به عنوان یک مجازات و گامی در راستای حفظ و اعاده صلح و امنیت بین‌المللی قلمداد شد. شورای امنیت در ۳۱ ژانویه ۱۹۹۲ اعلامیه‌ای در خصوص خلع سلاح کنترل تسلیحات و سلاح‌های کشتار جمعی صادر کرد و براساس آن بر نقش حیاتی خلع سلاح و کنترل در حفظ صلح و امنیت بین‌المللی تأکید ورزید. این بیانیه بر لزوم انجام تعهدات کلیه دولت‌های عضو در رابطه با کنترل تسلیحات و خلع سلاح، برای پیشگیری از گسترش سلاح‌های کشتار جمعی تأکید می‌کند و اذعان داشت که گسترش سلاح‌های کشتار جمعی تهدیدی برای صلح و امنیت بین‌المللی است.

اعضای شورا در چهارچوب این اعلامیه خود را متعهد ساختند به منظور پیشگیری از گسترش فناوری‌های مربوط به تحقیق و توسعه سلاح‌های کشتار جمعی و انجام اقدامات مناسب در جهت پایان بخشیدن به این امر اقدام کنند. آنان در مورد سلاح‌های هسته‌ای به اهمیت نقش آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشاره کردند و اضافه کردند اعضای شورا با هر تخلف گزارش شده از سوی آژانس برخورد مناسب خواهند کرد (موسویان، ۱۳۸۶: ۲۷۱).

یکی دیگر از اسناد مهم شورای امنیت در حوزه خلع سلاح و کنترل تسلیحات، قطعنامه ۹۸۴ (۱۹۹۵) این شورا در خصوص «تضمین‌های امنیتی» به اعضای فاقد سلاح هسته‌ای معاهده منع گسترش است. این تضمین امنیتی گرچه کاستی‌های فراوانی دارد از جمله مهم‌ترین آن‌ها این که فاقد تضمین امنیتی منفی است. تعهدات منفی امنیتی مربوط است به ارائه تضمین‌هایی برای مقابله با ضربه اولیه توسط یک قدرت هسته‌ای است، اما به هر حال بیانگر فضای مشارکت جویانه و چندجانبه‌ای است که علیه دولت با دولت‌های خاصی نشانه‌گیری نشده و حالتی خصمانه و ایدئولوژیک ندارد (سرتیپی و حجت‌خواه، ۱۳۹۲: ۲۶۷).

حمله رژیم بعث عراق به کویت، بارزترین مصداق تجاوز یا نقض بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد بود که کم‌ترین مبنایی در رویه دولت برای توجیه آن وجود ندارد و

توسط جامعه بین‌المللی به‌صورت قاطع محکوم شد. شورای امنیت سازمان ملل نیز براساس قطعنامه شماره ۶۶۰ مورخ ۲ اوت ۱۹۹۰ این اقدام را محکوم نمود. پس از قطعنامه شماره ۶۷۸ که به‌موجب آن عراق محکوم به خروج از کویت شد، شورای امنیت درصدد برآمد تا به‌نوعی با خاتمه دادن تهدید از سوی عراق و با اقداماتی قهری علیه عراق و با تکیه بر خلع سلاح این کشور، کمیسیونی از کارشناسان بین‌المللی را مسئول نظارت بر خلع سلاح و خنثی‌سازی تهدید ناشی از توان تسلیحاتی و جنگی این کشور کند.

کمیسیون ویژه ملل متحد در امر نظارت بر خلع سلاح عراق تشکیل شد. یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های این قطعنامه و حوزه اختیارات آنسکام، ممنوعیت عراق از داشتن توانمندی موشکی و صلاحیت کمیسیون به بازرسی «در محل» از این توانمندی و انهدام یا خنثی‌سازی آن‌ها است. این در حالی بود که نه‌تنها در زمان تصویب این قطعنامه بلکه تاکنون هیچ سند حقوقی بین‌المللی درخصوص منع داشتن موشک شکل نگرفته است؛ اما شورای امنیت با بهره‌گیری از تفسیر موسع صلاحیت‌های صلح‌بانی خود، توان موشک‌بالستیک را به‌عنوان وسایل پرتاب سلاح‌های کشتار دسته‌جمعی تلقی و همگام با منع این سلاح‌ها، مشمول بازرسی‌های کمیسیون قرار داد. در سال ۱۹۹۹ به دنبال کارشکنی‌های متعدد عراق برای ممانعت از فعالیت عادی آنسکام و پس از چندین گزارش رسمی رئیس کمیسیون مبنی بر عدم همکاری این کشور، شورا کمیسیون را بازسازی و براساس قطعنامه ۱۲۸۴ مصوب ۱۷ دسامبر ۱۹۹۹ به «کمیسیون ویژه پایش و راستی‌آزمایی عراق» تبدیل نمود. به نظر می‌رسد قطعنامه ۱۴۴۱ مورخ ۷ دسامبر ۲۰۰۲ در مورد عراق مؤید نظامی نوین در فرایند خلع سلاح در چهارچوب سیاست‌های شورای امنیت بود (ساعد، ۱۳۸۳: ۲۳).

۳-۱. دبیرخانه ملل متحد

دبیرخانه ملل متحد اگرچه یک رکن اداری است؛ اما به برخی مسائل اجرایی نیز که از این امور غیرقابل تفکیک هستند اشتغال می‌ورزند. به همین منظور در این دبیرخانه، یک اداره و مؤسسه مطالعاتی به خلع سلاح اختصاص یافته است. اداره امور خلع سلاح تصمیمات مجمع عمومی در زمینه خلع سلاح را اجرا می‌نماید.

اجرا و مدیریت، ثبت سلاح‌های متعارف، تبادل اطلاعات مندرج در موافقت‌نامه‌های مختلف تسلیحاتی، تسهیل بحث و بررسی پیرامون مسائل خلع سلاح مطروحه در مجمع عمومی و کنفرانس خلع سلاح و عرضه بی‌طرفانه اطلاعات برای مقاصد علمی و

آموزشی در پیگیری اهداف ملل متحد در این عرصه، مهم‌ترین مسئولیت‌های این اداره هستند.

مؤسسه تحقیقات خلع سلاح ملل متحد نیز که در ژنو مستقر شده است، در زمینه خلع سلاح و مسائل مرتبط با آن به‌ویژه امنیت بین‌المللی، به مطالعه می‌پردازد.^۱ این مؤسسه طی سال ۱۹۸۰ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد برای اطلاع‌رسانی به کشورها و جامعه جهانی در مورد مسائل امنیت بین‌المللی و کمک به تلاش‌های خلع سلاح به‌منظور تسهیل پیشرفت به سمت امنیت و اقتصادی بیشتر تأسیس شد.^۲

در سال ۲۰۱۸، این مؤسسه راهبردهایی شامل «سلاح‌های کشتار جمعی و سایر سلاح‌های راهبردی»، «کاهش خطر استفاده از سلاح‌های هسته‌ای»، «ترویج عادات همکاری در رژیم‌های کشتار جمعی»، «کنترل تسلیحات در پیشگیری و ایجاد صلح»، «پیشگیری، بازدارندگی و پاسخ به حملات سایبری مخرب» و «ترویج گفت‌وگو و اشتراک دانش برای پیشبرد خلع سلاح» را برای سال ۲۰۱۸-۲۰۲۰ تأیید کرد.^۳

۴-۱. دیوان بین‌المللی دادگستری

درباره مشروعیت یا عدم مشروعیت کاربرد سلاح‌های هسته‌ای تاکنون دو بار از دیوان بین‌المللی دادگستری درخواست نظر مشورتی شده است. ابتدا در سال ۱۹۹۳ سازمان بهداشت جهانی به‌موجب قطعنامه ۴۶/۴۰ از دیوان درخواست نمود به این سؤال پاسخ دهد که با توجه به آثار ناشی از کاربرد سلاح هسته‌ای بر سلامتی و محیط‌زیست، آیا استفاده از سلاح هسته‌ای در جنگ یا در هر نوع مخاصمه مسلحانه، نقض تعهدات ناشی از حقوق بین‌الملل و اساسنامه سازمان بهداشت جهانی خواهد بود یا نه؟ دیوان پس از سه سال در تاریخ ۱۸ ژوئیه ۱۹۹۶ با هفت رأی موافق در مقابل ۳ رأی مخالف، طرح سؤال از طرح سازمان بهداشت جهانی را در قلمرو صلاحیت این سازمان ندانست و اعلام کرد که قادر به اعلام نظر مشورتی نیست. مجمع عمومی سازمان ملل متحد نیز در سال ۱۹۹۴ از دیوان درخواست نظر مشورتی کرد. مجمع عمومی به‌موجب قطعنامه شماره ۴۹/۷۵ مورخ ۱۵ دسامبر ۱۹۹۴ با تکیه بر قواعد عام حقوق بین‌الملل و قطعنامه‌های این مجمع ناظر بر ممنوعیت تولید استفاده از سلاح هسته‌ای از دیوان درخواست نمود نظر مشورتی خود را در مورد سؤال زیر اعلام نماید. متن سؤال چنین

1. <https://unidir.org/>

2. UNIDIR at 40". United Nations Institute for Disarmament Research. Archived from the original on 5 February 2021.

3. <https://www.geneve-int.ch/united-nations-institute-disarmament-research-unidir-0>

است: «آیا به موجب حقوق بین‌الملل، تهدید یا کاربرد سلاح‌های هسته‌ای در کلیه شرایط مجاز است؟»

دیوان پس از احرار صلاحیت برای پاسخ‌گویی به درخواست مجمع عمومی، نظر خود را در تاریخ ۸ ژوئیه ۱۹۹۶ در بند ۲/۱۰۵ به شرح زیر اعلام نمود:

۱. (به اتفاق آرا) در حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی هیچ‌گونه مجوز خاص برای تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای وجود ندارد؛

۲. (با ۱۱ رأی موافق در برابر ۳ رأی مخالف) در حقوق بین‌الملل عرفی و قراردادی فی‌نفسه هیچ‌گونه ممنوعیت جامع و جهانی برای تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای وجود ندارد؛

۳. (به اتفاق آرا) تهدید یا استفاده از زور یا سلاح‌های هسته‌ای که برخلاف پاراگراف

۴ ماده ۲ منشور ملل متحد و فاقد تمام شرایط ماده ۵۱ باشد، غیرقانونی است؛

۴. (به اتفاق آرا) تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای باید منطبق با مقررات حقوق بین‌الملل لازم‌الاجرا در مخاصمه مسلحانه، به‌ویژه اصول و قواعد حقوق بین‌الملل بشردوستانه و همین‌طور مطابق با تعهدات پیش‌بینی‌شده در معاهدت و سایر تعهداتی که صریحاً مربوط به سلاح‌های هسته‌ای است، باشد؛

۵. (با هفت رأی موافق از جمله رأی ترجیحی رئیس دیوان و هفت رأی مخالف) با توجه به شرایطی که در بالا ذکر شد، این نتیجه به دست می‌آید که تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای عموماً مخالف اصول و قواعد حقوق بشردوستانه است. با این حال در وضعیت فعلی حقوق بین‌الملل و عوامل موجود در آن، دیوان نمی‌تواند به‌طور قطعی نتیجه بگیرد که در مقام دفاع مشروع در شرایطی که کشوری شدیداً در معرض نابودی باشد تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای مشروع است یا نامشروع؛

۶. (به اتفاق آرا) تعهد برای پیگیری با حسن نیت و نتیجه‌بخش مذاکرات که تحت نظارت جدی و مؤثر بین‌المللی منجر به خلع سلاح هسته‌ای در تمام ابعاد آن شود، وجود دارد.

دیوان با این نظر خواسته است ضمن بیان خلأ قانونی در شرایط خاص دفاعی، فقط قواعد موجود را بیان کند. از این رو با ملاحظه قواعد حقوق بشردوستانه و قواعد عام حقوق بین‌الملل صراحتاً اعلام می‌کند که تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای داخل در ممنوعیت‌ها و محدودیت‌های پذیرفته شده در منشور ملل متحد و برخی معاهدات دو یا چندجانبه و حقوق عرفی و اصول حاکم بر مخاصمات مسلحانه و معیارهای حقوق

بشردوستانه قرار دارد. دیوان پس از بررسی قطعنامه‌های مجمع عمومی و معاهدات دو یا چندجانبه و سایر اسناد بین‌المللی مربوط به حقوق مخاصمات مسلحانه و اصول حقوق بشردوستانه این‌گونه نتیجه گرفته که نخست، مجوز خاص برای تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای وجود ندارد؛ دوم، تهدید یا استفاده از سلاح هسته‌ای برخلاف قواعد عام حقوق بین‌الملل و اصول حقوق بشردوستانه مجاز نیست. سوم، ویژگی خاص سلاح هسته‌ای به‌گونه‌ای است که تهدید یا استفاده از آن عموماً منجر به نقض قواعد عام حقوق بین‌المللی می‌شود؛ اما به نظر دیوان، از این ملازمه نوعی نمی‌توان ممنوعیت یا مشروعیت تهدید یا استفاده از این سلاح را در شرایطی که موجودیت یک کشور در معرض خطر قرار دارد، استنباط کرد. هرچند یک تعهد کلی برای دولت‌ها وجود دارد که با پیگیری مذاکرات به خلع سلاح اتمی دست یابند.

۵-۱. آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به‌عنوان نهادی وابسته

شکل‌گیری آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، نتیجه ابتکار عمل دولت آمریکا در طرح موسوم به «اتم برای صلح» است. این آژانس در سال ۱۹۷۵ رسماً آغاز به کار کرد. یکی دیگر از مواردی که طرح اتم برای صلح به‌صورت تلویحی آن را عنوان کرده بود، طرح منع کامل تولید مواد هسته‌ای شکافت‌پذیر بود. از نگرانی‌های عمده رهبران آمریکا در آن زمان، این بود که شوروی سابق در شرف دستیابی به میزان کافی مواد شکافت‌پذیر هسته‌ای برای ساخت چندین کلاهک هسته‌ای قرار داشت و هرلحظه بیم آن می‌رفت که به تهاجمی غافلگیرکننده و وسیع دست بزنند. بنابراین، عمده‌ترین پیشنهاد مطرح شده در طرح آیزنهاور این بود که آمریکا و شوروی سابق باید حجم عمده‌ای از مواد هسته‌ای شکافت‌پذیر خود را در اختیار آژانس بین‌المللی انرژی اتمی قرار دهند تا مورد کاربردهای صلح‌آمیز و غیرنظامی قرار گیرد (مقدم، ۱۳۸۲: ۷).

با این وجود، بسیاری از اهدافی را که طرح‌های باروخ و آیزنهاور برای آژانس بین‌المللی انرژی اتمی متصور شده بودند جامه عمل نپوشید و این آژانس از همان ابتدا نتوانست نقش خود را در کاهش حجم مواد هسته‌ای شکافت‌پذیر سه کشور دارنده سلاح‌های هسته‌ای آن زمان (آمریکا، شوروی و انگلستان) به‌خوبی ایفا کند. به‌هرحال آژانس به‌عنوان نقطه شروع نظام عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای آن هم در شرایطی که تنها دو ابرقدرت وقت به سلاح هسته‌ای دست یافته بودند، شکل گرفت تا با ایجاد مجمعی برای همسازی تصمیمات بین‌المللی در مورد انرژی اتمی، اولاً مانع از کاربرد اتم برای ساخت سلاح گردد، ثانیاً، به تنظیم مناسبات دولت‌های عضو، نظامی برای

همکاری صلح‌آمیز هسته‌ای فراهم سازد تا آژانس با بهره‌گیری از توانی که در نتیجه همکاری دولت‌های عضو کسب و جمع‌آوری نموده، پروژه‌های هسته‌ای را با نظارت دقیق خود در دولت‌های در حال توسعه به انجام رساند.

۲. کمیته‌ها

۲-۱. کمیته ضد تروریسم

پیش از حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، جرائم تروریستی به عنوان تهدید علیه صلح و امنیت بین‌المللی تلقی می‌شد، اما این برای اولین بار بود که پس از حوادث مزبور اقدامات تروریستی موجب توسل شورای امنیت به ماده ۵۱ منشور ملل متحد می‌شد.^۱ همچنین براساس قطعنامه ۱۳۷۳ یک کمیته ضد تروریسم ایجاد گردید که اجرای این قطعنامه را توسط دولت‌ها مورد کنترل قرار خواهد داد (Bianchi, 2007: (883). این کمیته نظارت بر اجرای قطعنامه فوق را بر عهده دارد و دولت‌ها ملزم به ارائه گزارش فعالیت‌های ضد جرائم تروریستی خود به کمیته حداکثر تا ظرف زمانی نود روز پس از تصویب این قطعنامه براساس جدول زمانی پیشنهادی از سوی کمیته هستند. لازم به ذکر است که کمیته مکلف است مأموریت و برنامه کاری خود را ظرف سی روز از تصویب این قطعنامه تدوین نموده و با مشورت دبیر کل سازمان ملل متحد مساعدت‌هایی را که نیاز دارد، تحت بررسی قرار دهد (Rosand, 2003: 337).^۲

الزامات مزبور شامل جرم‌انگاری تأمین مالی جرائم تروریستی و استرداد دارایی‌های تروریست‌ها، پرهیز از هرگونه حمایت از افراد و سازمان‌های درگیر در فعالیت‌های تروریستی ممانعت از فعالیت‌های تروریستی از طریق تبادل اطلاعات با دولت‌های دیگر، تهیه و ارائه لیستی از تروریست‌ها، ممانعت از این‌که قلمروشان مورد استفاده برای فعالیت‌های تروریستی مورد استفاده واقع شود، جرم شناختن فعالیت‌های تروریستی و تعقیب حامیان جرائم تروریستی، کمک و مساعدت به دولت‌های دیگر در تعقیب

۱. نظم مبتنی بر همکاری بین‌المللی که ویژگی جامعه بین‌المللی کنونی است، اقتضا دارد اصل مندرج در بند چهارم از ماده ۲ منشور ملل متحد به گونه‌ای مستحکم حفظ نموده و مستثنیات آن (مواد ۴۲ و ۵۱) به صورت کاملاً مضیق تفسیر شوند به نحوی که امکان توسل به زور در روابط بین‌المللی به کمترین سطح کاهش یابد (ساعد، ۱۳۸۸: ۲۱۵).

۲. قطعنامه ۱۳۷۳ ضمن برخورداری از الزامات حقوق بین‌الملل نوین علیه جرائم تروریستی و برقراری تعهدات همکاری میان دولت‌ها، به «مجموعه مقررات مبارزه با جرائم تروریستی» در جهان موسوم گردید؛ زیرا به وسیله آن تعهداتی حقوقی برای کلیه اعضای سازمان ملل متحد پدید آمده است. به علاوه قطعنامه‌های ۱۳۷۳ (۲۰۰۱)، ۱۵۴۰ (۲۰۰۴) و ۱۷۳۵ (۲۰۰۶) شورای امنیت و کنوانسیون‌های بین‌المللی ضد جرائم تروریستی چهارچوبی حقوقی را در مواجهه با جرائم تروریستی شکل می‌دهند که باید به گونه‌ای مطابق با تعهدات بین‌المللی مقرر در اسناد حقوق بشری به اجرا درآیند.

تروریست‌ها و حامیان مالی جرائم تروریستی، ممانعت از حکومت‌ها و جنبش‌های تروریستی از طریق کنترل دقیق مرزها و صدور مؤثر و دقیق اسناد هویت شامل اقدامات لازم برای ممانعت از جعل این اسناد تسریع تبادل اطلاعات در مورد تروریست‌ها و تضمین این‌که وضعیت پناهندگی توسط تروریست‌ها مورد سوءاستفاده قرار نگیرد، است. از این‌رو، آنچه می‌توان از الزامات فوق برداشت نمود این‌که شورای امنیت با جسارت قابل تأملی، تکالیف قراردادی ناشی از کنوانسیون‌ها و سایر اسناد ملل متحد را به یک‌باره به تکالیف سازمانی مبدل ساخته که بدون قید و شرط بر کلیه دولت‌های عضو تحمیل می‌گردد (زرنشان، ۱۳۸۶: ۶۹).

تهدید روزافزون جهانی علیه صلح و امنیت بین‌المللی ناشی از جرائم تروریستی، جامعه بین‌المللی را وادار کرد تا به واسطه قطعنامه‌های الزام‌آور حقوقی برای کلیه دولت‌ها واکنش نشان دهد. با این وجود نگرانی مقابله با پدیده‌ای که منافع جامعه بین‌المللی را تهدید می‌کند با بی‌کفایتی روند کلاسیک قانون‌گذاری بین‌المللی برای تقریر تعهدات مشروح جهانی در مدتی کوتاه، برخورد کرد (Quénivet, 2005: 218-219). با این حال، مهم‌ترین دلایل در عدم واکنش مؤثر و متناسب نسبت به تهدیدات ناشی از جرائم تروریستی، در ارتباط با دو مقوله بسیار مهم در حقوق عرفی و حقوق معاهداتی است. دلایل مزبور شامل روند طولانی شکل‌گیری معاهدات و مضمون بسیار مبهم آن‌ها، تعداد محدود دولت‌های عضو معاهدات، رویه‌های طولانی نظام قانون‌گذاری ملی در پذیرش و ظرفیت و توان قید و شرط‌گذاری، هستند (Charney, 1993: 529).

کمیته ضدتروریسم مأموریت دارد اجرای قطعنامه ۱۳۷۳ را مورد پایش مستمر قرار دهد. اجرای پایش در قبال سایر کنوانسیون‌های بین‌المللی از جمله حقوق بین‌الملل بشر، خارج از گستره مأموریتی این کمیته است. با این حال، کمیته از جمله از طریق تماس کمیته با دفتر کمیسیونر عالی حقوق بشر، از هم برکنش و چالش‌های کار خود با نگرانی‌های حقوق بشری آگاه است و از پایش موازی اجرای تعهدات حقوق بشری نیز استقبال می‌نماید. کمیته همچنین به صورت شفاف و علنی کار می‌کند به‌طوری‌که سازمان‌های غیردولتی نگران می‌توانند توجه کمیته را جلب نموده یا در چهارچوب سازوکارهای حقوق بشری تأسیس شده اقدام و پیشگیری لازم را انجام دهند.

۲-۲. کمیته قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت

با توجه به وجود نگرانی‌های نظام بین‌المللی نسبت به وجود تهدیدات ناشی از کاربرد سلاح‌های کشتار جمعی به‌ویژه سلاح‌های هسته‌ای و دسترسی بازیگران غیردولتی به این‌گونه تسلیحات، موجب گردید تا شورای امنیت درصدد مقابله با چالش فوق برآید. از سوی دیگر، مسئله مبارزه با جرائم تروریستی و سلاح‌های کشتار جمعی، یکی از آثار مستقیم در پی وقوع حوادث ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بر تحولات حقوق و روابط بین‌الملل است. از این‌رو، شورا در راستای وظایف خود در فصل هفتم منشور ملل متحد با پیشنهاد ایالات متحد آمریکا مبنی بر اتخاذ تدابیری درخصوص عدم گسترش تسلیحات کشتار جمعی و همچنین در راستای بهبود و افزایش کنترل‌های بین‌المللی درخصوص گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و جرائم تروریستی، قطعنامه ۱۵۴۰ را در سال ۲۰۰۴ صادر نمود. با این‌حال قطعنامه ۱۵۴۰ از حیث پیوند رژیم مبارزه با جرائم تروریستی و خلع سلاح‌های کشتار جمعی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

وفق قطعنامه ۱۵۴۰، کلیه دولت‌ها اعم از اعضای معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای، کنوانسیون سلاح‌های بیولوژیک، کنوانسیون سلاح‌های شیمیایی و دولت‌های غیر عضو آن مکلف هستند درخصوص تضمین عدم گسترش سلاح‌های مذکور و مواد مرتبط با آن‌ها و همچنین نظام‌های پرتاب سلاح‌های مذکور به‌ویژه موشک، اقداماتی را در سه سطح «قانون‌گذاری»، «تدوین مقررات اجرایی» و «ایجاد کنترل‌های اداری» به عمل آورند تا نه تنها از فعالیت بخش‌های دولتی در این امور ممنوعه جلوگیری شود، بلکه از دسترسی بازیگران دولتی و گروه‌های تروریستی به این مواد ممانعت به عمل آید. یکی از روش‌های شورای امنیت برای نیل به اهداف مقرر در قطعنامه، نظام کنترل ملی درخصوص فعالیت‌های مرتبط با سلاح‌های هسته‌ای و ابزار پرتاب است. از این‌رو، با توجه به این واقعیت که برخی دولت‌ها تجربیات مکفی در جهت اجرای کامل و مؤثر مفاد قطعنامه را ندارند، این قطعنامه کمیته‌ای متشکل از مشاوران و کارشناسان متخصص و حقوقی در راستای مساعدت به اقدامات دولت‌ها را ایجاد نمود که موسوم به «کمیته ۱۵۴۰» است. مأموریت کمیته ۱۵۴۰ و ارائه گزارش در سال ۲۰۱۱ راجع به اجرای کامل قطعنامه از حیث موفقیت یا عدم آن ذکر چند نکته حائز اهمیت است

(Bosh and van Ham, eds, 2007: 162)

❖ کمیته ۱۵۴۰ و کشورهای عضو باید با احراز معیارهای مؤثر و مناسب «قانون‌گذاری»، «تدوین مقررات اجرایی» و «ایجاد کنترل‌های اداری»، معیارهای موفقیت را نیز مشخص کنند؛ چراکه بدون ارائه تعریفی صریح از

معیارهای فوق، سؤالاتی راجع به ارزش و مشروعیت واقعی قطعنامه ۱۵۴۰ مطرح خواهد شد؛

❖ به علاوه موفقیت قطعنامه ۱۵۴۰، مستلزم تمایل کشورها برای پذیرش یک چهارچوب بین المللی برای بررسی نظام عدم گسترش براساس مفهوم «دفاع لایه ای» است که مسئولیت نهایی را به طور مستقیم در اختیار خودشان می گذارد. به عبارت دیگر، دولت های عضو باید عواقب یک برنامه نامناسب و خلل پذیر در زمینه عدم گسترش آگاه باشند؛

❖ در نهایت جامعه بین المللی نمی تواند تنها به این قضیه متکی باشد که گزارش سال ۲۰۱۱ کمیته ۱۵۴۰ شواهدی را دال بر بازشناسی کامل دولت های عضو از مضامین داخلی گسترش جهانی سلاح های کشتار جمعی نقل کند.

براساس گزارش های کمیته ۱۵۴۰، دولت ها مسئولیت عدم تکثیر سلاح های هسته ای و امنیت مواد هسته ای در کشورشان را بر عهده دارند. علاوه بر این، گزارش های ارسالی دولت ها می بایست میزان پیروی دولت ها از تعهدات ناشی از قطعنامه ۱۵۴۰ شورای امنیت را مشخص کند. در مورد کشورهایی که در تحقق مفاد قطعنامه کوتاهی می کنند، بند ۷ اجرایی مقرر می کند که کشورهای دیگر می بایست راهکارها و توصیه های لازم راجع به زیرساخت های حقوقی و تنظیمی مورد نیاز برای رعایت کنوانسیون را ارائه کنند. در این صورت، قطعنامه ۱۵۴۰ می تواند به عنوان یک اقدام حقوقی لازم الاجرا تلقی شود که تبعیت بیشتر از کنوانسیون تروریسم هسته ای را تشویق می کند.

۲-۳. کمیته خلع سلاح و امنیت بین المللی

یکی از کمیته های عادی دائمی مجمع عمومی است که در طول هر نشست عادی مجمع تشکیل جلسه می دهد و به بررسی کلیه مسائل مرتبط با خلع سلاح که در دستور کار مجمع قرار دارند، می پردازد و تصمیمات این کمیته برای تصویب به صحن مجمع ارجاع می شود. هر سال در ماه اکتبر برای یک جلسه چهار تا پنج هفته ای پس از بحث عمومی مجمع عمومی تشکیل جلسه می دهد و کلیه دولت های عضو امکان حضور در این کمیته را دارند. موضوعاتی نظیر «سلاح های هسته ای»، «سایر سلاح های کشتار جمعی»، «فضای بیرونی (جنبه های خلع سلاح)»، «سلاح های متعارف خلع سلاح و امنیت منطقه ای»، «سایر اقدامات خلع سلاح و امنیت بین المللی» و

«ماشین‌آلات خلع سلاح»، در دستور کار این کمیته قرار دارند.^۱ کمیته اول دارای دو نهاد اصلی شامل «کمیسیون خلع سلاح» و «کنفرانس خلع سلاح» است که به آن گزارش می‌دهند.

در سال ۱۹۵۲، مجمع عمومی با قطعنامه ۵۰۲^(VI) خود در ژانویه ۱۹۵۲، «کمیسیون خلع سلاح» را زیر نظر شورای امنیت با مأموریت تهیه پیشنهادهایی برای یک معاهده برای تنظیم، محدودیت و کاهش متوازن همه موارد ایجاد کرد و از سال ۱۹۷۸ اصول، رهنمودها و توصیه‌ها به اتفاق آرا به تصویب رسید. به عنوان نمونه می‌توان به گزارش سال ۲۰۱۷ کمیسیون اشاره کرد که در مقر سازمان ملل متحد در سیصد و شصت و یکمین نشست عمومی خود، در ۱۳ فوریه ۲۰۱۷ برگزار شد.^۲ به هر روی، سالانه به مدت سه هفته در نیویورک تشکیل جلسه می‌دهد و میزبان جلسات عمومی و گروه‌های کاری است. کار کمیسیون معمولاً بین دو کارگروه تقسیم می‌شود که هر گروه به یک موضوع از کل موضوعات خلع سلاح برای آن جلسه می‌پردازد که یکی از آن‌ها باید شامل خلع سلاح هسته‌ای باشد. کمیسیون حداقل سالی یک بار از طریق کمیته اول به مجمع عمومی گزارش می‌دهد.^۳ این کمیسیون در مواقعی غیر از برگزاری نشست‌های مجمع عمومی تشکیل جلسه می‌دهد و به مسائل خاص نظیر ایجاد مناطق عاری از سلاح هسته‌ای و دستورالعمل‌های مربوط به نقل و انتقالات بین‌المللی سلاح می‌پردازد.

نهاد دوم کمیسیون، «کنفرانس خلع سلاح» است و درحالی‌که کنفرانس به‌طور رسمی بخشی از دستگاه سازمان ملل متحد نیست، اما همچنان سالانه یا در مواقع مناسب به مجمع عمومی گزارش می‌دهد. بودجه آن نیز در بودجه سازمان ملل گنجانده شده است. کنفرانس هر سه سال یک بار در ژنو تشکیل می‌شود و بر موضوعات زیر تمرکز می‌کند.^۴ توقف مسابقه تسلیحات هسته‌ای و خلع سلاح هسته‌ای پیشگیری از جنگ هسته‌ای پیشگیری از مسابقه تسلیحاتی در فضا ترتیبات بین‌المللی مؤثر برای تضمین کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای در برابر استفاده یا تهدید به استفاده از سلاح‌های هسته‌ای انواع جدید سلاح‌های کشتار جمعی و سیستم‌های جدید این‌گونه سلاح‌ها

1. The GA Handbook: A Practical Guide to the United Nations General Assembly (PDF) (2nd ed.). New York: Permanent Mission of Switzerland to the United Nations. 2017

2. [https://documents-dds-](https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N17/115/24/PDF/N1711524.pdf?OpenElement)

[ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N17/115/24/PDF/N1711524.pdf?OpenElement](https://documents-dds-ny.un.org/doc/UNDOC/GEN/N17/115/24/PDF/N1711524.pdf?OpenElement)

3. <https://disarmament.unoda.org/institutions/disarmament-commission/>

4. <https://disarmament.unoda.org/>

از جمله سلاح های رادیولوژیک برنامه جامع خلع سلاح و شفافیت در تسلیحات (Vanessa, 2022: 45).

۳. کمیسیون ها

۳-۱. کمیسیون انرژی اتمی

منشور سازمان ملل در سال ۱۹۴۵ صراحتاً در پی نظام قانونمندی بود که اطمینان دهد بخش بسیار ناچیزی از درآمدها و منابع اقتصادی کشورهای جنگ زده صرف تولید تسلیحات نظامی می شود. ابداع سلاح های هسته ای چند هفته پس از امضای منشور و طرح موضوع کنترل تسلیحات و خلع سلاح واقع گردید. کمیسیون انرژی اتمی سازمان ملل متحد در ۲۴ ژانویه ۱۹۴۶ با اولین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد «به منظور مقابله با مشکلات ناشی از کشف انرژی اتمی» تأسیس شد.^۱

در حقیقت پس از به کارگیری بمب اتمی علیه مردم ژاپن در سال ۱۹۴۵ و به منظور جلوگیری از تکرار وقایعی این چنین، مجمع عمومی سازمان ملل در اولین قطعنامه خود تصمیم به تشکیل کمیسیون انرژی هسته ای گرفت. طبق این قطعنامه، کمیسیون انرژی اتمی از اختیارات و از صلاحیت جامع و همه جانبه ای در مورد نظارت بر مواد اولیه هسته ای و بازرسی و به کارگیری نیروی اتمی برای مقاصد صلح آمیز و سرانجام تحقیقات و توسعه نیروی هسته ای و کلیه امور مربوط به آن برخوردار بود.

مجمع عمومی از کمیسیون خواست تا پیشنهادهایی نظیر گسترش مبادله اطلاعات علمی پایه برای اهداف صلح آمیز بین کلیه دولت ها، کنترل انرژی اتمی تا حدی که برای اطمینان از استفاده از آن فقط برای مقاصد صلح آمیز ضروری است، امحای سلاح های اتمی از تسلیحات ملی و سایر سلاح های اصلی قابل تطبیق با کشتار جمعی و پادمان های مؤثر از طریق بازرسی و سایر ابزارها برای محافظت از کشورهای متعهد در برابر خطرات نقض و فرار ارائه دهد.^۲ در ۱۴ دسامبر ۱۹۴۶، مجمع عمومی قطعنامه ای را تصویب کرد که در آن خواستار تکمیل سریع گزارش توسط کمیسیون و همچنین بررسی آن توسط شورای امنیت سازمان ملل شد.

1. United Nations General Assembly Session 1 Resolution 1. Establishment of a Commission to Deal with the Problems Raised by the Discovery of Atomic Energy A/RES/1(I) 24 January 1946.

2. United Nations General Assembly Session 1 Resolution 1. Establishment of a Commission to Deal with the Problems Raised by the Discovery of Atomic Energy A/RES/1(I) 24 January 1946.

۲-۳. کمیسیون سلاح‌های متعارف

این کمیسیون در نتیجه معاهده تأسیس سازمان ملل متحد در سال ۱۹۴۶ تأسیس شد. هدف این کمیسیون یافتن راه‌هایی برای کاهش حجم تسلیحات غیرهسته‌ای در سراسر جهان بود. این کمیسیون به‌طور رسمی با قطعنامه شورای امنیت در ۱۳ فوریه ۱۹۴۷ تأسیس شد.^۱ پنج عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد نتوانستند در مورد چگونگی دستیابی به این هدف به توافق برسند و بنابراین اولین گزارش کمیسیون در سال ۱۹۴۹ هیچ توصیه قابل توجهی ارائه نکرد. در سال ۱۹۵۰، اتحاد جماهیر شوروی از نشستن با نمایندگان «گروه کومینتانگ»^۲ (یعنی نمایندگان غیر کمونیست چین) در کمیسیون امتناع کرد و در سال ۱۹۵۲ رسماً منحل شد. وظیفه کمیسیون که اعضای آن همان اعضای دائم شورای امنیت سازمان ملل متحد بود، انجام اقداماتی بود که از آن طریق، بتوان کاهش تسلیحات غیرهسته‌ای را تحقق بخشید و نظامی با کارایی لازم‌الاجرای به وجود آورد، ولی این کمیسیون هم در سال ۱۹۵۰ منحل شد.

۴. مرکز پیشگیری از جرائم بین‌المللی

این مرکز، سال‌های زیادی است که درگیر مسئله جرائم بین‌المللی است. به‌مثابه یادآوری، در اینجا، پاره‌ای از معیارهای بسط یافته از رهگذر برنامه‌های پیشگیری از جرم و عدالت کیفری ملل متحد سال‌هاست که وجود دارد، یعنی در کنگره‌های پنج سالانه ملل متحد که مرتبط و مناسب هم هستند آن زمانی که تمرکز خود را به تروریست‌ها و قربانیان آن‌ها معطوف می‌دارند ذکر می‌شود:

❖ قواعد حداقل استاندارد مربوط به برخورد با زندانیان (۱۹۵۷)؛

❖ اعلامیه حمایت از کلیه اشخاص تحت شکنجه و سایر اشکال رفتار یا کیفرهای

ظالمانه، غیرانسانی و توهین‌آمیز (۱۹۷۵)؛

❖ کد رفتاری ناظر بر مأموران اجرای قانون (۱۹۷۹)؛

❖ قواعد رفتاری ناظر بر مأموران کیفر مرگ (۱۹۸۴)؛

❖ اصول اساسی مربوط به استقلال قوه قضاییه (۱۹۸۵)؛

۱. قطعنامه ۱۸ شورای امنیت سازمان ملل متحد که در ۱۳ فوریه ۱۹۴۷ به تصویب رسید، کمیسویی را برای اجرای قطعنامه ۴۱ مجمع عمومی سازمان ملل ایجاد کرد که بیان می‌کرد تنظیم و کاهش تسلیحات و نیروهای مسلح جهانی اقدام مهمی برای تقویت صلح بین‌المللی است.

- ♦ اعلامیه اصول اساسی عدالت برای بزه‌دیدگان جرم و سوءاستفاده از قدرت (۱۹۸۶)؛
- ♦ اصول مربوط به پیشگیری و تحقیقات مؤثر در مورد اعدام‌های فراقانونی، خودسرانه و اختصاری (۱۹۸۹)؛
- ♦ اصول اساسی مربوط به توسل به زور و تسلیحات گرم به‌وسیله مأموران اجرای قانون (۱۹۹۰)؛
- ♦ قواعد اساسی مربوط به برخورد با زندانیان (۱۹۹۰).

در سال‌های اخیر، مرکز پیشگیری از وقوع جرم بین‌المللی بیش‌ازپیش درگیر اقدام‌های ناظر بر همکاری فنی در مورد ایجاد این معیارها و سایر معیارهای کارآمد بوده است. طی چهار سال گذشته، یک واحد کوچکی، شعبه پیشگیری از تروریسم، به این مرکز اضافه شده است. این شعبه عمدتاً به تحقیق و تحلیل پیش از ۱۱ سپتامبر، زمانی که حکم آن تقویت گردید و زمانی که ملل متحد نقش آن را در پیشگیری و سرکوب جرائم تروریستی تعریف کرده، پرداخت. شعبه پیشگیری از تروریسم به دنبال پاسخ سریع و کارآمد به درخواست‌های دولت‌ها برای همکاری در مقابله با جرائم تروریستی، مطابق با وظایف خود است. هدف از فعالیت‌های کمک فنی شعبه پیشگیری از جرائم تروریستی، تقویت رژیم قانونی علیه جرائم تروریستی است.^۱

نتیجه‌گیری

از آغاز عصر هسته‌ای، عدم اشاعه و خلع سلاح هسته‌ای به‌طور رسمی توسط همه کشورها به‌عنوان اهداف حیاتی به رسمیت شناخته شده است. اولین قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد - در ۲۴ ژانویه ۱۹۴۶ به تصویب رسید - هدف از بین بردن سلاح‌های هسته‌ای و سایر سلاح‌های قابل انطباق با کشتار جمعی را تعیین کرد. در ضمن، دیوان بین‌المللی دادگستری در نظر مشورتی مهم خود در سال ۱۹۹۶ در مورد قانونی بودن تهدید یا استفاده از سلاح‌های هسته‌ای، این ماده را به‌عنوان متضمن «التزام به پیگیری با حسن نیت و به نتیجه رساندن» تفسیر کرد.

به‌طور مشابه، قطعنامه سال ۲۰۰۰ مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به‌سوی جهانی‌سازی از سلاح هسته‌ای، از کشورهای دارای سلاح هسته‌ای می‌خواهد که تعهدی صریح را برای از بین بردن سریع و کامل زرادخانه‌های هسته‌ای خود انجام دهند. تعهد

1. https://www.unodc.org/pdf/crime/terrorism/Brochure_GPT

به خلع سلاح هسته‌ای در قطعنامه‌های متعدد دیگر سازمان ملل متحد و معاهدات بین‌المللی نیز تکرار شده است. همچنین در اسناد نهایی اجماع کنفرانس‌های بازنگری رژیم عدم گسترش، از جمله در جدیدترین کنفرانس، به شدت مورد تأکید قرار گرفته است.

فهرست منابع

- ساعد، نادر (۱۳۸۴)، *حقوق بین الملل و نظام عدم گسترش سلاح های هسته ای*، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های حقوقی شهر دانش، چاپ اول.
- ساعد، نادر (۱۳۸۸)، *نقد و بسط مفهوم و دامنه دفاع مشروع در فرایند بین المللی مقابله با تروریسم*، مجموعه مقالات همایش جهان اسلام قربانی تروریسم، تهران: مجمع جهانی صلح اسلامی، جلد دوم، چاپ اول.
- سرتیپی، حسین و علیرضا حجت خواه (۱۳۹۲)، *حقوق امنیت هسته ای: بررسی رویکرد نظام عدم اشاعه هسته ای*، تهران: بنیاد حقوقی میزان، چاپ اول.
- شاملو، باقر و سید احمد محمدی (۱۴۰۰)، *مسئولیت بین المللی دولت ها در قبال تروریسم و تأمین مالی آن*، راهبردهای دیپلماسی در سازمان های بین المللی، ۱(۴): ۱۶۶-۱۳۷.
- زرنشان، شهرام (۱۳۸۶)، *شورای امنیت و تعهدات دولت ها برای مقابله با تروریسم*، مجله حقوقی بین المللی، ۲۴(۳۶): ۵۷-۹۴.
- مقدم، جعفر (۱۳۸۲)، *تاریخچه و اهداف پادمان هسته ای*، تهران: معاونت نظام ایمنی هسته ای کشور، چاپ اول.
- موسویان، سید حسین (۱۳۸۶)، *پروتکل الحاقی و راهبرد جمهوری اسلامی ایران*، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.
- میرکوشش، امیر هوشنگ و رامتین رضایی (۱۴۰۱)، *دیپلماسی پیشگیرانه ملل متحد و صلح بین الملل پس از جنگ سرد*، راهبردهای دیپلماسی در سازمان های بین المللی، ۱(۵): ۱۳۳-۱۵۸.

References

- Ahuja, Virendra (2021), “International Legal Regime on Nuclear Disarmament: Contemporary Developments”, *Law Review*, 142: 1-35. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3905186>
- Bianchi, Andrea (2007), “Assessing the Effectiveness of the UN Security Council’s Anti-Terrorism Measures: The Quest for Legitimacy and Cohesion”, *European Journal of International Law*, 17(5): 881-919.
- Black-Branch, Jonathan L., Dieter Fleck (2021), *Nuclear Non-Proliferation in International Law: Nuclear Disarmament and Security at Risk (Legal Challenges in a Shifting Nuclear World)*, Volume VI, Published by t.m.c asser press, The Hague, The Netherlands www.asserpress.nl
- Bosh, Olivia and Peter Van Ham, Eds (2007), *Global Non-Proliferation and Counter-Terrorism: The Impact of UNSCR 1540*, Chatham House: Brookings Institution.
- Burr, W., and J. Kimball (2022), “Nuclear Threats and Alerts: Looking at the Cold War Background”, *Arms Control Today*, April. <https://www.armscontrol.org/act/2022-04/features/nuclear-threats-alerts-looking-cold-war-background?emci=81457e33-55cd-ec11-997e-281878b83d8a&emdi=63c65e5b-5acd-ec11-997e-281878b83d8a&ceid=23710637>.
- Charney, Jonathan I (1993), “Universal International Law”, *American Journal of International Law*, 87(4): 529-551.
- Hood, Anna & Monique Cormier (2024), “Nuclear Threats Under International Law Part I: The Legal Framework”, *Journal for Peace and Nuclear Disarmament*, 7(1): 157-177.
- Quéniwet, Noëlle (2005), “The World after September 11: Has It Really Changed?”, *The European Journal of International Law*, 16(3): 561-577.
- Rosand, Eric (2003), “Security Council Resolution 1373, the Counter-Terrorism Committee, and the Fight Against Terrorism”, *American Journal of International Law*, 97(2): 333-341.
- Spagnolo, Andrea (2022), “International Legal Obligations Related to Nuclear Disarmament and Nuclear Testing”, In: *International Law and Chemical, Biological, Radio-Nuclear (CBRN) Events*, Publisher: Brill & Nijhoff, pp: 417-438
- Vanessa, Manhire (2022), *United Nations Handbook 2022-23: United Nations Handbook: An Annual Guide for Those Working within the United Nations*, 59th ED, Wellington: Ministry of Foreign Affairs and Trade of New Zealand.